

آیا بحرانی در راه است؟

دوکتور ع شیرزاد
15-06-2012

در عصر حاضر که عصر جهانی سازی قلمداد میشود و نه عصر جهانی شدن - جهان به دهکده ای کوچکی مبدل شده و اقتصاد سراسر جهان بیش از پیش بهم گره خورده است. گاهی چنان مینماید که گویا در جهان فعلی و در شرایط نورمال آرامش و رشد طبیعی اقتصاد، زندگی رنگین همان است که ناجیان به اصطلاح نجات بشریت از ورطه نابودی موعظه میکنند. ولی واقعیت نه همان است که میگویند ولی همان است که میکنند. در کره زمین با جمعیت هفت میلیارد نفری، عدالت اقتصادی آنست که ده درصد نفوس جهان نود درصد ثروت را در دست دارند و نود درصد نفوس با ده درصد اقتصادی میسوزند و میسازند. گاهی هم در اکثر نقاط جهان چنان حالتی پیش می آید که با ضعف مدیریتی و یا هم اختلاسه های کلان - دایره زندگی شرافتمند توسط یک مشت بیروکرات و شاید حکومت کننده بر توده های حکومت شونده تحمیل میشود. گرچه بحران اقتصادی در جوامع کپیتهالیستی پدیده تازه ای نیست، اما درین راستا این مالکین سرمایه و دول کپیتهالیستی هستند که انواع پیراهنها را خود میبند و میدوزند و میپوشانند و مسیرهای قطب نماها را تعیین میکنند. اروپا و کشورهای قاره اروپا نیز ازین قاعده مستثنی نیستند. یکی ازین ادارات بیروکراتیکی که طول و عرض زندگی را در قاره اروپا خط کشی میکند، همانا اداره بروکسل است که در چند ماه اخیر تلاش دارد تا جامه از هم دریده یونان را وصله کند تا باشد با تمرین ازین وصله به کمک جنوب اروپا بشتابد.

در چندماه اخیر بعد از رفت و آمدهای زیادی در نشست های رسمی و غیررسمی 27 کشور اروپایی، کمتر نتیجه محسوسی از آن به بار نشسته است. بعضاً نتیجه این نشستهای شش یا ده ساعته بدون کدام نتیجه مرموزی پایان یافته و راه حل مشکلات اقتصادی اتحادیه اروپا به نشست بعدی موکول شده است. یکی ازین نشستها هم نشست اخیر دولت مدران 27 کشور اروپایی بود که در بروکسل دایر شد. درین نشست رهبر سوسیالیست تازه انتخاب شده فرانسه فرانسوا اولاند - بر خلاف اسلافش از پاریس به بروکسل با ترین (قطار) سریع السیر آمد و با موترش دوباره به پاریس برگشت، درحالیکه اسلافش این فاصله 300 کیلومتری را با طیاره (هواپیما) مخصوص دولتی (صالون) سفر میکرد. این تنها سنت شکنی اولاند نبود که برای اولین بار درین نشست شرکت میکرد - وی برخلاف گذشته، رییس دولت آلمان آنگلا مرکل را همراهی نمیکرد بلکه با دوستان جدیدش صدراعظم هسپانیه ماریان رایوو و رییس دولت موقت ایتالیا ماریو مونتی که با هم نظرات مشترک زیادی دارند بیشتر هم صحبت بود.

دیگر بر کسی پوشیده نیست که وحدت نظر **آنگلازی** (آنگلا مرکل + سارکوزی) از هم پاشید و اتحاد نظر **آنگلاند** (آنگلا مرکل + فرانسوا اولاند) به قوام نه نشست.

سوالی پیش می آید که چرا ؟ آنگلا مرکل با اقتصاد قوی آلمان که هنوز هم از پیشتازان کلوب سرمایه داری است ترازو به زمین میکوبد و برای اقتصاد گویا صرفه جویانه اش نزدیکترین متحدش یعنی فرانسه را دارد از دست میدهد. حالا دیگر چنان به نظر میرسد که باید بقیه راه سیاست پایین آوردن هزینه ها (ریاضت اقتصادی) را به تنهایی ببیماید. کشورهای جنوب اروپا با اقتصاد ضعیف و لرزانیشان - اصلاً علاقه ای برای شنیدن کلمات چون - **محکم بستن کمربند اقتصادی** را دیگر ندارند ولی کلمات گوش نواز **رشد اقتصادی** را از دهن اولاند سوسیالیست بسیار به راحتی پذیرا هستند. چنانچه حضرت بیدل گوید:

حرف نا منظور دل یک نکته هم بیش است و بس معنی دلخواه اگر صد نکته باشد هم کم است

اما روی هم رفته برلین و پاریس بر سر هیچ یکی از نقاط پروگرام به توافقی دست نیافتند. با آنکه هدف هردو سیاستمدار تفکیک قروض کشورهای اتحادیه اروپا و برداشتن وزنه آنها همه کشورهای اتحادیه اروپا همه باهم وبا بهره پایین بانکی به نفع کشورهای ضعیف بود، ولی دیدگاه متفاوت دو طرف در مورد نجات کشورهای مقروض اروپایی که از رشد ضعیف و بعضاً حتی رشد منفی رنج میبرند راه بجایی نبرد. آقای فرانسوا اولاند "سوسیالیست" با ارائه نظر اوراق بهادار اروپایی (Euro Bond) همراه با رشدش نتوانست **توجه** خانم آنگلا مرکل "کاپیتهالیست" را که میگوید هیچ کشوری از قروض کشور دیگری جوابگو نیست جلب کند و دل بر باید، اما برعکس اولاند توجه تمام رسانه های اصلی را بخود جلب کرد. یونانیها که تمام جلسه روی آنها میچرخید، هرگز اظهار خوشی شانرا از تجرید خانم مرکل پنهان نکردند. چنانچه روزنامه

To Vima (TheTribune) یونان نوشت، "آلمان و فرانسه دیگر آن دوقلوهای نیستند که سیاستهای ریاضت اقتصادی (پایین آوردن هزینه های اجتماعی) شانرا بر بقیه اروپا تحمیل کنند".



گرچه رهبران سیاسی اروپا در مورد مسئله یونان کاملاً به توافق رسیدند که "یونان باید در ساحه یورو زون باقی بماند"، اما زمزمه های هم از بروکسل پخش شد که به تمام اعضا ساحه یورو گوشزد شده است که هریک بطور جداگانه پلانی را بسازند که اگر یونان از صف شان خارج شود چه کاری باید صورت گیرد، چون در بدترین حالت شوک و اختلال سختی را بار خواهد آورد. این مطلب را کمیسار تجاری

اتحادیه اروپا کارل دگوخت Karel de Gucht هم تایید کرد. ازین هم مهمتر این است که برای بدترین سناریوی خروج یونان از اتحادیه اروپا، شرکت انگلیسی که نشر بانک نوت ها را پیش میبرد کاملاً آماده نشر "درهم" واحد پولی یونان است و گفته میشود که لوگوها و واترمارک پول جدید هم آماده شده است.

گرچه درظاهر چنان مینماید که خروج یونان از ساحه یورو حتمی بنظر میرسد ولی رهبران اتحادیه اروپا ظاهراً تلاش دارند که در پس خنده های تلخ شان از معجزه نجات صحبت کنند. رهبران سیاسی اتحادیه اروپا همواره تاکید دارند که خروج یونان تمام جهان و خصوصاً اروپا را در بحران عمیقی فرو خواهد برد. ولی همه دیدگاهها چنین تعبیری از سقوط یونان ندارند، چنانچه توماس اوتلی (Thomas Oatley) اقتصاد دان آمریکایی از دانشگاه کالیفرنیا شمالی در مجله Foreign Policy نوشت که "یونان کشور بزرگی مثل آمریکا نیست که با خروجش از ساحه یورو بحران عمیق جهانی ببار آید، خروجش کاملاً عادی خواهد بود". رییس بانک مرکزی جمهوری ایرلند نظر دارد که خروج یونان از منطقه یورو ضرر به بار می آورد اما برای واحد پولی یورو مرگبار نخواهد بود. کمیسار اقتصادی و پولی اتحادیه اروپا اولی رن برین عقیده است که " اتحادیه اروپا در حال حاضر نسبت به دو سال پیش برای خروج یونان آمادگی بیشتری دارد".

اما روی همرفته هیاهو و تعبیرها چنان است که اگر یونان از ساحه یورو خارج شود - درست همانا بندریگی را میماند که کشورهای جنوب اروپا را با خود ته خواهد کشید و آبستن فرزند ناخلف بحران عمیق را به زایمان خواهد نشست.

کنون چنان مینماید که موفقیت 40 درصدی حزب سوسیالیست و متحدان فرانسوا اولاند از دوراول انتخابات پارلمانی فرانسه در هفته گذشته (یکشنبه دهم جون 2012) راه تطبیق پلانیهای آقای اولاند را دارد هموار میکند. همچنان جبهه چپ (متشکل از کمونیست ها و عده ای از جادشندگان حزب سوسیالیست) با رای 6.8 درصدی شان از دوراول انتخابات میتواند کمر آقای اولاند را در برآورده شدن اهداف بلندش محکمتر ببندد. اگر دوردوم انتخابات پارلمانی فرانسه که درین هفته (یکشنبه هفده هم جون 2012) برگزار میشود و نتایج آن هم به همان تناسب از آب بدرآید، دیگر عزم سوسیالیستهای فرانسه و متحدان شان که بعد از هفده سال سکان قدرت را بدست گرفته اند - برای نوشتن نسخه نجات اروپا جزمتر میشود.

اما درین هفته تمام توجه ها تنها و تنها معطوف به پاریس نخواهد بود، بلکه اقتصاد بحران خورده کشورهای سراسر جهان و خصوصاً کشورهای اروپایی با دقت تمام متوجه آتن خواهد بود (یکشنبه هفده هم جون 2012 انتخابات پارلمانی در یونان). کنون که تمام نفسها در سینه ها گیر کرده و انتظار آنست که آیا دستهای گویا نجات بخش اقتصاد قرضه اروپا بر دستان "معجزه گر" رای دهندگان یونانی چقدر اثر داشته است.

اگر درین انتخابات احزابی که مخالف بسته های نجات مالی یا قرضه اتحادیه اروپا و صندوق بین المللی پول هستند به قدرت برسند، مشکل یونان پیچیده تر خواهد شد، چون یونانیها باید با این دو نهاد دوباره درباره شرایط جدیدی برای دریافت کمکهای مالی جدید و قروض قبلی شان مذاکره کنند. این هم یک واقعیتی ایست که یونانیها بیش از درآمدها خرج میکردند - بطور مثال در 10 سال گذشته دستمزد کارمندان 50 درصد افزایش داشته و هزینه ها دوبرابر شده است، حالانکه این رقم در سایر کشورهای اروپایی بطور متوسط 24 درصد بوده است.

خوف درکجاست و نگرانی کشورهای اروپایی از چیست ؟

خوف از آنست که اگر یونان پرداخت قرضه هایش را متوقف کند و پول طلب کارانش را پس ندهد، این مسئله ضربه مرگباریست بر اعتبار سیستم بانکی اروپا، چون موسسات مالی یونان با سایر شرکای اروپایی شان در ارتباط تنگاتنگ هستند، و از آن مهمتر ترس سرمایه گذاران نسبت به تکرار این حادثه در کشورهای دیگر اروپایی بیشتر میشود و سرمایه گذاران دیگر تمایلی به خرید اوراق بهادار (اوراق قرضه) کشورهای ضعیف و بحران زده نخواهند داشت، اینجاست که سرخ در کلافه گم میشود. بطور مثال سه قلم قرضه یونان چنین است - از بانک های فرانسه بیش از 41 میلیارد یورو، از بانک های آلمان حدود 13 میلیارد یورو و از بانک های آمریکا بیش از 6 میلیارد یورو مقروض اند که با مشکلات پرداخت و یا هم عدم پرداخت آن، این بانکها بخشی از منابع مالی خود را از دست میدهند.

سران اروپایی برملت یونان همواره تاکید دارند که گویا خروج از ساحه یورو بمعنی خروج از اتحادیه اروپا تلقی خواهدشد، واین درحقیقت همان مترسک ایست مانند شمشیر داموکلس بر بالای سر رای دهندگان یونانی درین هفته. میخواهند که بشکل غیر مستقیم بر رای دهندگان یونانی تاثیر بگذارند که اگر یونان از اتحادیه اروپا خارج شود، تمام مزایای اقتصادی و پشتوانه سیاسی شانرا از دست خواهند داد. اما این یونانیها خواهند بود که به همه حدس و گمانها نقطه پایان خواهند گذاشت و تصمیم خواهند گرفت که چه راهی را میخواهند در پیش گیرند. یکشنبه شب در دو انتخابات کاملاً از هم جدا، یکی تاثیرگذار و دیگری سرنوشت ساز است که نفسهای گیرکرده درسینه را چگونه رها سازد.

تشکر از توجه تان

پذیرای انتقادات و نظرات شما عزیزان درین آدرس : sherzadabd@hotmail.com

<http://www.tovima.gr>

<http://www.scribd.com>

<http://www.jaime.cz>

<http://blog.occupiedlondon.org>

<http://www.bbc.co.uk>

http://www.imf.org/external/np/exr/countryfacts/grc/InterviewPoul_thomsen.pdf